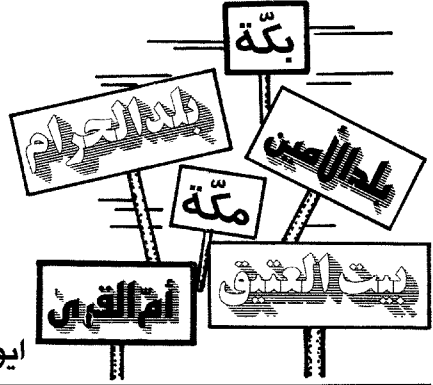


اسلامی مکة الله



ایوب صبری پاشا / سید علی قاضی عسکر



مقدمه

مکة و أم القرى، اولین نقطه از کره زمین است که از درون آب نمایان گردید و سپس توسعه یافت. کعبه نیز اولین خانه‌ای است که برای مردم بنا گردید؛ «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِمَكَّةَ مُبَارَكًا»^۱ و اولین آدم در آن جا فرود آمد و با استمداد از حضرت حق، خانه‌ای برای عبادت ساخت و گرداگرد آن به طواف و عبادت پرداخت.^۲ قبل از آدم نیز در عرش خداوند مقابل همین نقطه از زمین، فرشتگان برگرد بیت المعمور می‌چرخیدند و خدا را عبادت می‌کردند و از آن تاریخ تاکنون، مکة کانون توجه دین باوران بوده است.

با آمدن ابراهیم خلیل به این سرزمین، شهر مکة و ویژگی‌های اطراف آن و به خصوص پیدایش زمزم موجب شد تا جرهمیان به این نقطه کوچ کنند و در اطراف زمزم سکونت گزینند. دعای ابراهیم خلیل نیز که از خداوند خواست تا دل‌های مردمان را به سوی این خانه متمایل سازد؛ «فاجعل أئینة التائب تهبی إليهم» به مرحله اجابت رسید. جاذبه‌ای معنوی در قلب‌ها و جان‌ها پدید آمد و با بانگ رسای «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ» همه ساله هزاران انسان عاشق و شیدای حق را به آن سمت و سو سوق داد. ظهور و پیدایش اسلام و

* - مترجم عنوان را «اسامی کعبه‌الله» آورده، لیکن در متن کتاب که به زبان ترکی استانبولی می‌باشد «اسامی سامی مکة‌الله» است و نشان از آن دارد که مترجم اشتباه ترجمه کرده است.

ولایت پیامبر ﷺ در این سرزمین و تحوّل قبله از بیت المقدس به سمت کعبه نیز شرافت این سرزمین را افزون ساخت و هرچه بر عمر بشر گذشته، این عشق و شور فزونی یافته است. و اینک نیز همچنان در موسم حج و عمره میلیون‌ها انسان مسلمان، از هر قوم و ملیّت از گوشه و کنار جهان به آن دیار آمده، با خلوص و پاکی خدا را می‌خوانند و از دیدگان نشان قطرات اشک، مرواریدگونه می‌ریزند و از خدا صفا و معنویت و نورانیت و بالاخره بهشت جایزه می‌گیرند. این شهر از چنان اهمّیتی برخوردار است که در چندین جای قرآن کریم، خداوند از آن با نام‌های گوناگون یاد کرده است:

«البلده»^۳، «البلد الامین»^۴، «حرماً آمناً»^۵، «وادٍ غیر ذی زرع»^۶، «البیت»^۷، «امّ القری»^۸، «البیت الحرام»^۹، «مسجد الحرام»^{۱۰}، «بیت عتیق»^{۱۱}، «مکه»^{۱۲} و... در هیچ جای دنیا در طول تاریخ نمی‌توان شهری مانند مکه و مدینه را یافت که تا این اندازه برای آن نام‌گذاری کرده باشند. هرکدام از این نام‌ها نیز دارای معانی ارزشمندی است که گوشه‌ای از فضیلت این شهرها را برای مردم بازگو می‌کند.

محدثان، مفسران،^{۱۳} و تاریخ نگاران سرزمین وحی، هر یک به تعدادی از این نام‌ها اشاره کرده‌اند و دلیل نامگذاری هریک را برشمرده‌اند. از آن جمله است: مورّخ ارزشمند تاریخ حرمین شریفین «ایوب صبری پاشا» که از تاریخ نگاران دوره عثمانی و ترک زبان است. او در کتاب پرازش خود «مرآة مکه» بیش از پنجاه نام و لقب برای این شهر مقدس برشمرده و وجه تسمیه آنها را نیز آورده است. در شماره‌های پیشین «میقات حج»، سلسله مقالاتی از نویسنده و ویژگی‌های کتاب او و ترجمه فارسی مخطوط آن، نکاتی را نگاشته‌ام که از تکرار آن خودداری نموده، توجّه خوانندگان گرامی را به متن مقاله جلب می‌کنم:

شهر مکه معظمه به دلالت کتب مقدّسه باهره، چهل و پنج «اسامی» جلیله [مبارکه] از قرار مسطور ذیل دارد:

- ۱ - مکه، ۲ - بگه، ۳ - بلد، ۴ - قریه، ۵ - امّ القری، ۶ - بلده، ۷ - بلد الامین، ۸ - صلاح، ۹ - باسه، ۱۰ - بساسه، ۱۱ - ناسه، ۱۲ - نساسه، ۱۳ - حاطمه، ۱۴ - رأسی [رأس]، ۱۵ - کوئی، ۱۶ - عرش، ۱۷ - عریش، ۱۸ - عُرش، ۱۹ - قادس، ۲۰ - قادسیّه، ۲۱ - سبوحه،



۲۲- حرام، ۲۳- بلدالحرام، ۲۴- مسجدالحرام، ۲۵- معطشه، ۲۶- بره، ۲۷- رتاج، ۲۸- امّ ۲۹- رحم
 ۳۰- امّرحم، ۳۱- امّالرحمه، ۳۲- امّکوئی، ۳۳- امینه، ۳۴- امّالصفا، ۳۵- مرویه، ۳۶- امّالمشاعر،
 ۳۷- متخفه، ۳۸^{۱۴} - بلدةالمرزوقه، ۳۹- تهامه، ۴۰- حجاز، ۴۱- طیبه، ۴۲- مدینهالرب،
 ۴۳- عاقر، ۴۴- فاران. ۱۵

و هشت عدد القاب جمیله دارد؛ [مانند: ۱- مشرفه، ۲- مکرمه، ۳- مفخمه، ۴- مهابه،
 ۵- والده، ۶- نادره، ۷- جامعه، ۸- مبارکه] به داخل حدود میامن محدودی که در مقاله چهارم
 نموده شده [است]، مشروع نیست که بدون احرام داخل شوند.

منظومه ۱۶

مقدس کعبه‌یی قرق بش اسمله یاد ایدر اختیار
 کوزل حفظ ایلوب تنویر قلب ایچون او قوهر بار
 بلد، مکّه، امین، امّرحم، بکه
 صلاح، و قریه، باسمه، رأسی، ناسه، بلدة (ستار
 حجاز، و قادسیه، قادسی، و طیبه، متخفه
 تهامه، مرویه، امّالمشاعر، امّ (دیدى احرار
 عرش، عرش، و عریش، و حاطمه، امّالصفا، کوئی
 رتاج، بساسه، ناسه، سبوحه، بره، (درای یار)
 مقدسه، حرام، و امّرحمه، بلدالحرام
 مدینه، امّکوئی، معطشه، مرزوقه، (الاسرار)
 رحم، هم مسجدالحرام، امینه، عاقر، و فاران
 حساب ایتسه ک تمام قرق بش اولور ای طالب اخبار

وجوه تسمیه اسامی کعبه الله

۱- مکّه:

نظر به تحقیق علمای لغت «مکّه مکرمه» تنها، اسم شهر مقدس و یا مجموع حرم



محترم است، یعنی [اسم] اراضی منیفه [مبارکه] ای است که در داخل مواقیت محدوده باشد [و مجموع حرم شریف است]. و سبب [و در جهت] تسمیه آن، وجوه عدیده دارد. علی قول، مأخوذ از معنی نقض است که جمیع آثام [گناهان] را نقض و فانی می‌سازد. و علی رأی [به معنای آن است که] اهل ظلم و جور را [که به آن جا دخالت نماید] هلاک می‌کند. و دیگر برای اینکه آن ارض مقدس قلیل الماء است، اهالی آن جا، آب را [از زمین آن] مکیده و بیرون می‌آورند. و یا این که از معنای مکیدن مأخوذ بوده، [که] هر سال مردم را مکیده، و به طرف خود جذب می‌کند.

و یا آن که^{۱۷} عصیان عصات را حک و دفع [رفع] می‌نماید و یا آن که از لفظ «مکاکه»، که [به معنای مخ] و در وسط عظم^{۱۸} واقع بوده و لب و مخ گفته می‌شود، مأخوذ [بوده] است. به مناسبت این که مکه الله وسط و خلاصه دنیا است.

و علی قول، ارض مبارکه بیت الله مانند این که انسان مغز را از استخوان مکیده و بیرون می‌آورد ذنوب و اوزار عصات را محو [و زایل نموده] و اخراج [می] کند. آن قطعه مقدسه قبل از ظهور اسلام نیز، با قدسیت مشهور بوده، در زمان شوکت رومانیان قدیم به نام «مقربه» معروف و مذکور بود.

خاک عنبرناک [عطرناک] بیت الله [عزت]، قبل از خلقت زمین خلق شده و روی زمین از ذیل بقعه مفخمه کعبه معظمه بسط و خلق شده است.

نظم:

در صفت کعبه چنین گفته‌اند
بود اساسش متمکن به آب
منبسط از مایه او شد زمین
کعبه بود کز پی او کرده شد
طوف کنان بر صفت ماهیان
بود دگر جمله عدم کوه و دشت
هیچ اثرنه ز جهان خراب

چون گهر بحر یقین سفته‌اند
پیشتر از خلق جهان چون حباب
سال چو بگذشت هزاران بر این
بنیه نخستین که بنا کرده شد
گرد وی از هر طرف اللهیان
مکه بر آن سطح زمین خلق گشت
داشت همین مکه تمکن در آب



آن که زمین یافت از او انبساط
منزل عشرت شده بزم نشاط
فرش زمین چون که شد انداخته
کار فلک گشت از آن ساخته^{۱۹}

نظر (بنا) به روایت ابن عباس، عرش برین قبل از خلقت آسمان و زمین در روی دریای بزرگی قرار گرفته و به اسم «صاد» مسمی بود، هنگامی که به [عالم] بالا مرتفع گردید، آن دریای اعظم تموج نموده، و از کفی که از آن تموج حاصل شد خاک تابناک کعبه و از بخار آن آسمان خلق شد. دو سال بعد از آن هم روی زمین از زیر خاک عطرناک کعبه کشیده شده، و قدری که مأمور بود وسعت پیدا کرد. آن وقت محلّ [لطیف] بیت اعظم تپه بلندی از خاک قرمز بوده، و ملائکه کرام آن جا را زیارت می‌کردند.
توبه حضرت آدم بعد از زیارت آن خاک تابناک مقبول آمد و برای دفع خوف و خشیت جدایی او، در بالای آن محلّ مرتفع بیت معمور موضوع شد.

۲ - بکه

در این اسم اختلاف هست، بعضی گفته‌اند «مکه» و «بکه» دو اسم‌اند برای مسمای واحد. چون حرف «باء» با «حرف میم» از حیث [جهت] مخرج دو حرف متقارب هستند، علی‌الاکثر [گاهی] به مقام یکدیگر قائم می‌شوند. و گفته‌اند که مکه و بکه دو اسم هستند منسوب به شهر شهیر مکه می‌باشند و حال آن که در نزد بعضی «بکه» تنها اسم بقعه جلیله کعبه‌الله، و به یک قول دیگر اسم شهر مقدس مکه است.

بنا به قول صحیح، مواقع مسعوده‌ای که در داخل حدود حرم‌الله و خارج مسجدالحرام هستند مکه [بوده] و اسم بقعه بیت‌الله و حرم مسجدالحرام، بکه است.
بنا به قول ابن عباس چون مکه معظّمه جابره ملاعینی را که بر ضدّ خود او هستند، تبک^{۲۰} و اذلال می‌کند، لهذا مقتضی و شایسته اسم بکه شده است.

۳ - بلد

اگر چه لغویون گفته‌اند که [لفظ] بلد به معنی «صدرالبلاد» است ولی نظر به اشارهای که در قول جلیل «لَا أُسْمُ بِهَذَا الْبَلَدِ»^{۲۱} شده است، چون کافه بلاد و ممالک از خاک کعبه معظّمه خلق شده است، لهذا لفظ بلد مطلقاً اسم سامی مکه‌الله است.^{۲۲}



۴ - قریه

وجه نامگذاری اش به قریه، به مناسبت اجتماع جماعت کثیره است.

۵ - امّ القری

[وجه تسمیه اش] به مناسبت این است که عرصه شهر [معظم] کعبه الله اقدم نقاط روی زمین است [به حکم این بیت]:

گشت مکان حرم کبریا کرد خدایش لقب امّ القری

أقدم الارض بودن عرصه مبارکه شهر مذکور محقق است، اگر چه شبهه ای نیست که این دلیل به تصدیق وجه تسمیه امّ القری، دلیل کافی است [بر اقدم ارض بودن کعبه معظمه] ولیکن بادی اطلاق [اش] آن است که کعبه معظمه قبله جمیع امم و بر حسب مزیت اعظم و أفخم بلاد روی زمین بوده [به جهت آن که حاوی] بقعه مبارکه کعبه الله [است] و روی زمین از خاک مبارک کعبه الله مخلوق شده [است].

نظر به این تعریف، لازم می آید که امّ القری، اسم اراضی مقدسه باشد که در داخل مواقیت [محترمه] است.

[اعلم ناس] ۲۳ جناب عبدالله بن عباس گفته است که [وجه] تسمیه [مکه] به امّ القری، برای آن است که شأناً اعظم و اکرم بلاد بوده و زمین از تحت آن منبسط شده است. ابن عادل در تفسیر خود گفته است که قبل از آن که حضرت متعال [ایزد پاک] زمین و آسمان را خلقت کند، موقع کعبه معظمه غناء ۲۴ بود. چون شروع به آفرینش مکونات کرد، زمین را قبل از آسمان از زیر کعبه خلق و بسط فرمود. جهت تسمیه کعبه به امّ القری این است، زیرا که اصل است. مشاؤ الیه [جناب عبدالله به این قول] وجه تسمیه را تا یک درجه [قدری] توضیح نموده است.

۶ و ۷ - بلد، بلد الامین

از اسامی شریفه کعبه الله مرکوز [و مسطوره] در قرآن کریم بوده، چون سبب تسمیه آنها، منوط به علم الهی است لهذا عندالعلماء [نزد علما] مجهول است.



۸ و ۹ - رحم، امّ الرحم [از اسامی مترادفه بوده]

بنا به قول امام مجاهد، «امّ» به معنی اصل و «رحم» [به معنی] رحمت است. وجه تسمیه مکة مشرفه به این اسم، آن است که آن جا «اصل الرحمه» بوده، و کافه موحدین آن جا را محبت داشته و دوستی خودشان از آن بقعه مسعوده دریغ ندارند.

۱۰ و ۱۱ - بساسه، بساسه

وجه تسمیه اش آن است که گناهان را [از هم دیگر] پاره پاره کرده و هبا می نماید. بساسه نیز گفته می شود.

۱۲ - صلاح

وجه اطلاقش آن است که محلّ صلاح و فلاح است.

۱۳ و ۱۴ - ناسه، ناساسه

وجه تسمیه اش آن است که چون در وقت جاهلیت آن قدر [خشک و] قلیل الماء بود که می توان گفت به هیچ وجه رطوبت نداشت و [چون] ملاحظه را که در داخل حدود آن مرتکب بخی و شقاء می شدند به خارج حدود خود طرد و نفی می نمود ناساسه نیز گفته می شود.

۱۵ - حاطمه

[وجه تسمیه اش آن است که] ذنوب و اوزار حاجیان و یا ملحدین [دین مبین] را حطم و کسر می نماید.

۱۶ - رأسی

چون من جهة الشرف شبیه سر انسان است و علی زعم العلماء در وسط دنیا واقع و یا آن که خلقت اوست قبل از بلاد سائره به آسمان، [و نسبت به آسمان از بلاد سائره پیشتر خلق شده است] واقعاً سر انسان از جمیع اعضا او اشرف و این عضو عجیب الخلقه، که سرگفته می شود از هر جای [از هرگونه عضو] وجود انسانی افضل است. همچنین مکة معظمه اشرف بقاء روی

زمین بوده، در وسط دنیا خلق شده است و به این جهت سر آدم را مشابهت دارد.

۱۷- کوئی ۲۵

در شهر مکه معظمه در ایام جاهلیت^{۲۶} اسم محلّه بنی عبدالدار [کوئی] بوده، و وجه تسمیه‌اش این است که بنی عبدالدار مدّت متمادی حجابت بیت اعظم را توارث می‌کرده است.

۱۸ و ۱۹ و ۲۰- عرش، عریش، عُرُش

عرش از اسماء مترادفه است و باعث اطلاق این‌ها، این است که در اوایل، برخی از بیوت مکه مکرمه از شاخه‌های درخت و نی، [و نیها] مانند چهار طاق ساخته می‌شد. [یعنی مسکونه‌هایی بود که عبارت از بعض کلبه‌ها و چارطاق‌ها بود].

عرش مطلقاً به سایبان (گفته می‌شود) و عریش کلبه‌ای را گویند که به طرز [هیئت] سایبان ساخته شود. [و] عُرُش نیز جمع عریش است عندالبعض [در نزد بعضی]. عَرُش [اسم] محلّاتی است که در جوانب منتهای مکه معظمه است و عریش بیوت قدیمه شهر و عُرُش نیز اسم هر بیت عتیق [خانه کهنه] است.

۲۱ و ۲۲- قادس، قادسیّه

وجه تسمیه‌اش بودن اوست در ارض مقدّس.

۲۳- سبوحه

اسم دره‌ای است در قرب جبل‌الرحمه که کوه عرفات است. وجه تسمیه‌اش آن است که وقفه عرفات از اعظم نُسک حج است.

۲۴ و ۲۵ و ۲۶- حرام، بلدالحرام و مسجدالحرام

از اسامی سرزمین کعبه‌الله مسطور در قرآن کریم بوده، [وجه اطلاقش] برای این است که اراضی مقدسه کعبه‌الله، حرام کرده شده است.



۲۷ - معطشه

بادی اطلاق و تسمیه او آن است که کعبه الله در موقع قلیل الماء [قلیل المائی واقع شده است] اتفاق افتاده است.

۲۸ - بره

باعث تسمیه اش بلدالابرار بودن او است.

۲۹ - رتاج

به معنی باب عظیم بوده، وجه اطلاقش آن است که باب معلاً القاب کعبه الله، مدخل بیت اکرم است.

۳۰ - ام

به معنی اصل است وجه اطلاقش [آن است که] چون کعبه معظمه از حیث قدر و شأن و شرف، اعظم بلاد و قراء سائره است و یا آن که قبله گاه مقاصد جمیع امم است و یا برای این است که [علی مازعموا] موقع انور بیت عزت، در وسط کره ارض واقع شده است.

۳۱ - امینه

سبب اطلاقش آن است که مطلع وجود سعادت نمود حضرت نبی امین (علیه وآله صلوات الله الملك المعین) است.

۳۲ - ام الصفا

(وجه تسمیه اش) ^{۲۷} برای آن است کسانی که به صدق نیت و خلوص طویت [و قدرت و مزیت او خلفاً عن سلف روایت شده است] ایفای فرایض حج می کنند، گشایش خاطر و صفای بال برای آن ها حاصل می گردد.

واقعاً حضرت اقدس پاک در قرآن مبین خود قدر جلیل کعبه الله را حکایت فرمودند و کافه انبیای عظام و رسل کرام ایفای حج شریف نموده، بیت عزت را به ثنای جمیل توصیف و



تعریف نموده‌اند.

۳۳ - متخفه ۲۸

باعث اطلاقش آن است که جیران بیت‌الله من قِبَلِ الحَقِّ، به اتحاف بَرِّ و احسان تلطیف و سرافراز می‌شوند.

۳۴ - امّ المشاعر

چون اصل مشاعر حج و مرکز مواضع مسعوده‌ای است که در آن امکانه ادای نُسُک حج می‌شود.

۳۵ - بلدة المرزوقه

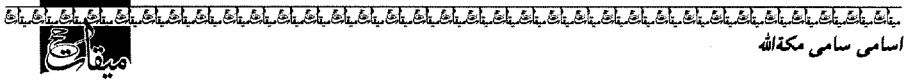
سبب اطلاقش آن است که حضرت ابراهیم (علی نبینا و علیه التعظیم) اهل مکه مکرمه را به دعای «و ارزق اهله من الثمرات» دعا کرده است.

روایت

[چنان که نقل و حکایت می‌شود در زمانی که حضرت ابراهیم به وجه مذکور دعا فرمودند] حضرت ایزد پاک به جبرئیل امین وحی و امر نمود که قریه‌ای را از ارض فلسطین که محصول دار باشد [اثمار او بسیار باشد] برداشته و به جوار کعبه‌الله نقل و وضع نماید.

جبرئیل امین از ارض مزبور قریه‌ی پر فاکهه‌ای را قلع نموده پس از آن هفت دفعه بیت عزّت را طواف داد در سه منزلی مکه در محلی زمین گذاشت، قریه‌ی منقوله، قریه‌ی پر لطایف طایف بوده، و چون به واسطه‌ی جبرئیل بیت اعظم را طواف کرده است به اسم طایف مسّی شد. انتهى.

اینک از زمانی که این روایت معین نموده است، فواکه و اثمار اراضی مقدسه کعبه‌الله تزیید نموده است. معهذا میوه مکه مکرمه فقط به طایف منحصر نبوده، از اثر دعای حضرت خلیل (علیه صلوات الله الجلیل) از اقطار شرق و غرب عالم، انواع میوه و فواکه به آن نقطه مسعوده توارد نموده و ضمیمه برکة‌الله می‌شود.



شهر مکه معظمه به درجه‌ای کثیرالمیوه است که کافه فواکه‌ی [میوه‌هایی] که مخصوص فصول اربعه است در یک موسم حاصل [دیده] می‌شود.

حکمت

شخص در هر ساعت شب به مکه داخل شود اشیائی را که باید روز بدست آورد [در شب بدون تعب] پیدا می‌کند. احدی نیست که در مکه مکرمه گرسنه بیتوته نماید.

حکایت عبرت آمیز

بطور موثق نقل و حکایت کنند که یکی [شخصی] از اهالی شام برای ایفای حج به مکه مکرمه [آمده از کثرت فواکه و اثمار متعجب شده] می‌رود و می‌بیند که در آن بلدۀ مقدسه فواکه و اثمار زیاد بوده، تا هنگام غروب قطارهای شتر با بارهای میوه علی‌الاتصال آمد و رفت می‌کنند.

مرد شامی از این رو متعجب شده، و تفکر می‌نماید و چون نمی‌تواند این حال را در محکمۀ وجدان خود محاکمه کند [در کمال تعجب و استغراب] در گوشه‌ای خزیده [نشسته] و خود به خود می‌گوید که، البته این امر جهتی دارد [در حالتی که] در اطراف سواد اعظم شام [آن‌همه] باغچه‌ها و بوستان‌های بی‌حدّ و حصر هست و این قدرها محصول ممکن نمی‌شود، بلکه بعد از وقت ضُحی در کوچه‌های شام حیوانی دیده نمی‌شود که بار میوه [داشته باشد] حمل نماید [از قراری که معلوم است] باغچه‌ها و بوستان‌های این شهر از باغها و بوستان‌های شهر ما به درجات زیادتر رسیده است.

حاجی شامی پس از آن که مدّت زیادی در این باب فکر می‌کند برای این که خلاصۀ خیالات خود را تجربه و امتحان و بساتین بلدۀ الله را سیر و معاینه کند به خارج شهر در می‌آید. [که بساتین آن شهر معظم را که در خیال خانه او مرتسم شده است سیر و تماشا نماید] چون در اطراف بیوت شهر جز کوههای خشک و برهنه چیزی نمی‌بیند تعجبش متزاید شده، غرق دریای [تفکر] حیرت می‌شود و به یک حیرت فوق‌العاده از کوهی به کوهی سیاحت کرده، چون غروب می‌شود در محلی که بوده است نشسته به خواب می‌رود. وقتی که بیدار می‌شود می‌بیند که فجر طالع شده و [در اطراف او] بعض شتر با نان حمل احجار می‌نمایند. مرد

شامی از این حرکت شتر با نان که در تاریکی صبح به کوه آمده و حمل احجار می‌کردند، وحشت فوق‌العاده را دچار آمده و پس از مدّت کمی به عقب شتربانانی که رجعت می‌کردند افتاده [و روان شد] می‌آید. شتر بانان [به مرور] قبل از طلوع آفتاب به شهر شهیر مکه‌الله واصل شده و بارهای خود را [فرود آوردند و متاع‌های] بارهای خود را به صاحبان دکانین شهر قسمت [توزیع] کرده و قیمت آن‌ها را می‌گیرند. همانا احجاری که به شتران حمل کرده شده بود هر یک، یک نوع میوه خوشگواری بوده است. مرد شامی چون دید احجاری [کلیه بارهایی] که شتر بانان از کوه گرفتند همه آنها فواکهی شده اند که به واسطه نفاستشان انسان را متحیر می‌سازد. آیات جلیله [یجیبی الیه ثمرات کل شیء رزقاً من لدنا]. [اطعمهم من جوع و آمنهم من خوف] را در خاطر آورده [معتقد گردید] و یقین نمود که سکنه مکه معظمه من عندالله مرزوق می‌باشند.^{۲۹}

۳۶ - تهامه

علاقه شدت حرارت و جه تسمیه است.

۳۷ - حجاز

[وجه تسمیه‌اش آن است] که کعبه معظمه در داخل قطعه مقدسه [در میان نواحی] مکه و مدینه و طایف و نواحی آن واقع [گردیده] است.^{۳۰}

۳۸ - بلده طیبه

سبب تسمیه‌اش آن است که [در حق] مسلمین را طیب و با برکت است.

۳۹ - مدینه‌الرتب

از اسامی مسطوره در انجیل و به معنی «بیت‌الحرام» است.

۴۰ - عاقر

در مفاد «مسجدالحرام» بوده و در کتاب شعبان^{۳۱} مسطور است.



۴۱ - فاران

از اسماء محزّره در تورات است، اگر چه این کلمه به معنی مسجدالحرام است ولی اسم یکی از کوههای مکه هم هست. لازم [می آید] که این کوه یکی از کوههایی باشد که جبال بنی‌هاشم گفته می‌شود که حضرت فخر کائنات [رسول صلوٰه‌الله علیه] در ذروه [بالای] این کوه عبادت می‌کردند. حضرت جبرئیل نخستین ملاقات خود را با حضرت رسول در این کوه کرده و از طرف خدای [رب العزة] وحی آورد. این کوهها [عبارت از] سه پارچه [کوه] و هر سه از جبال معروفه بوده، به یکی از این‌ها «جبل ابوقبیس» و دیگری را «جبل قعیقان» و سیمی را «جبل فاران» می‌نامند.

موقعی را که به طرف شرقی جبل ابی‌قبیس و [طرف] مقابل [کوه] قعیقان واقع است، شعب بنی‌هاشم می‌گویند و یک روایت هست [قولی هم هست] که حضرت فخر رسل^{۳۱} در آنجا مهد آرای عالم شهود شده‌اند.

زمانی که در میان اخبار اختیار شده بود^{۳۲} این عبارت مسطور بود «تجلی الله من سینا و أشرق من ساعیر و استعلن من فاران» مقصود از [کلمات] تجلی، اشراق، ساعیر و استعلا، معانی ظهور و انکشاف بوده، یعنی تورات شریف به حضرت موسی در [طور] سینا، و انجیل منیف به جناب عیسی در ساعیر، و قرآن کریم به نبی محترم در کوه فاران نزول اجلال کرد. «سیناء» اسم کوهی است که به حضرت موسی در آنجا تجلی فرموده شد. و «ساعیر» اسم گلی است که با حضرت مسیح سخن گفت و این هر دو پیغمبر در مواقعی که سینا و ساعیر نامیده می‌شود به نبوت تبشیر کرده شدند. چون حضرت مسیح در موقع ساعیر، در قریه «ناصر» نام، که در ارض خلیل واقع [بود] است ساکن بودند، به این جهت پیروان دین او را «نصارا» گویند.

اگر چه اهل کتاب [در حق] فاران معانی عدیده جداگانه می‌دهند ولی به مفاد آیه کریمه «ان الله اسکن هاجر و اسماعیل فاران» که [در] تورات شریف است شبهه‌ای نیست که فاران اسم کوهی است [واقع] در مکه معظمه.

۴۲ - عتیق

یک اسم بقعه مسعوده بیت معظم نیز عتیق است. نظر به قول حسن بصری وجه تسمیه



[مکه مکرمه به این اسم] آن است که بیت اعظم [پیشتر از همه، برای زیارت بنی بشر بنا و تأسیس شده است] اول بنای روی زمین است برای زیارت بنی بشر. در نزد امام مجاهد محفوظ بودن اوست از تخریب جباره، به قول قتاده محروس ماندن اوست از طوفان نوح.

اسباب تلقیب بلدة الله به القاب جمیله

۴۳ - مشرفه

[وجه تلقیبش آن است که شهر شهیر مکه از جمیع بلاد اشرف و اجمل و افضل و اولی است.] واقعا کعبه [مکرمه] مفخمه که گهواره وجود مسعدت نمود حضرت [پیغمبر صلوٰة الله و سلامه علیه] است که مظهر دین مبین، و مطاف واجب الطواف طوایف موحدین شده است، اشرف و افضل بودن او از ممالک روی زمین دلیل کافی است.

۴۴ - مکرمه

در کتاب مبین به ذکر جمیل تکریم فرموده شده است [و] جمیع رُسل و انبیا و کافه اولیا و صلحا، به زیارت کعبه الله، که در داخل بلده مسعوده مذکوره است، مأمور شده اند. [و این سبب تلقیب گردیده است].

۴۵ - مهابه

وجه تلقیبش آن است که ملحدین نمی توانند به دخول، داخل حدود حرم الله جسارت کنند، یعنی ملحدین و جباره از مهابت خلقی و طبیعی کعبه الله خوف و هراس دارند.

۴۷ - والده

[وجه تلقیبش] به مناسبت این است که زوآر و حجاج پس از قضای مناسک حج [به آنجا عود و رجوع نمایند] مراجعت می کنند.

۴۸ - نادره

برای آن است که بلده مقدسه مکه در هر زمانی وسعت پیدا [می نماید]. چنان که حکایت



می‌شود که گاهی [بنا به روایتی آن شهر مبارک] مانند بطون نسوان بار بر می‌دارد، [اتساع پیدا می‌کند] مبدأ حمل آن ماههای رجب‌المرجب یا ربیع‌الاول است. در ابتدای دو ماه مزبور شروع به اتساع کرده الی سیزدهم ماه ذیحجه آنآ فناً وسعت پیدا می‌کند که بعد از آن حجاج فوج به فوج معاودت [رجعت می‌نمایند] می‌کنند. فی‌الواقع در غیر [ایام] مواسم حج، کسانی که کثرت سکنه شهر مکه معظمه را می‌بینند، گمان می‌کنند [که کسانی که از حجاج ذوی الابتهاج آمده در داخل آن مملکت، آرام و اقامت و در داخل حرم مسجدالحرام طاعت و عبادت خواهند نمود، ابدأً جایی پیدا نتوانند کرد] که حجاج در داخل مملکت محلی برای آرام و اقامت پیدا ننموده، و در دایره فیوضات باهره حرم مسجدالحرام نیز برای طاعات و عبادات محلی پیدا نخواهند کرد. ولی، [چون موسم حج حلول می‌کند] آن که حاجیان علی‌التوالی از بحر و بر وارد می‌شوند، در بیوت محلات اقامت گزیده در حول بقعه مقدسه کعبه‌الله فارغ‌البال دور و طواف نموده، و در هر گوشه حرم شریف بدون زحمت و تعب نمازگزارده و عبادت جناب خفی‌الالطاف می‌کنند و هر قدر عدد زوار آن بلده نادره [زیاد می‌شود] تزاید می‌کند، حسب‌الحکمه وسعت پیدا می‌نماید، حجاج هر قدر زیاد بشود هیچکس در مکه مفتخمه بیرون و بی‌منزل نخواهد ماند.

مع ما فیه، اهل موسم حج نیز مانند سکنه و مجاورین زمان خالیه، در داخل حرم محترم بیت‌الله در کمال راحت و حضور عبادت می‌نمایند.

حقیر جامع‌الحروف در اواسط شهر شعبان ۱۲۸۹ به مکه مشرفه و اصل شدم، چون [کثرت زوار و] ازدحام حرم شریف را دیدم معتقد بر این شدم که حجاجی که پس از این خواهند آمد، محال است برای خود [در حرم شریف] جای [نماز] پیدا کنند. زیرا که در اسواق و بازارهای مکه، طوری ازدحام و کثرت است که اگر سوزن انداخته شود به زمین نخواهد افتاد و در داخل حرم مسجدالحرام نیز جای آن نبود که شخص واحدی قرار گیرد. با وجود این در ظرف مدت کمی یقین حاصل نمودم که ضیق و تنگی مملکت نمی‌تواند حجاج را از زیارت منع نماید. الی ساعت وقفه عرفه، هر روز [هر هفته سه - چهار - پنج هزار] سه‌هزار و پنج هزار حاجی و زائر آمده، [هم در خانه‌های] محلات جای گرفتند و هم در حرم شریف در کمال آسایش [به فراغت مشغول عبادت شدند] محلّ عبادت پیدا نمودند. سنه مرقومه [سال مزبور] حج اکبر شد، به تخمین تقریبی متجاوز از پانصد هزار حاجی آمده بود، کافه این‌ها



[همه اینان] بدون زحمت به [طواف] طاعت و عبادت مشغول [و به جماعت واحده نماز می‌کردند] و در بازارها مستریحا [به استراحت تمام] سیر و حرکت می‌کردند.

۴۹ - جامعه

وجه تلقیب و تسمیه‌اش آن است که [مکه مکرمه] نقطهٔ مجمع اقسام اقوام مسلمین و انواع قبائل موحدین است. در روی زمین هر قدر اجناس مختلفه مسلمین هستند دیناً [از حیثیت دیانت مجبوراند] مجبور می‌باشند که قطعهٔ مسعوده حجاز [مغفرت طراز] را زیارت کنند و به نیت [ایفای] ادای فریضهٔ حج به آن جانب فیض جالب [حجاز] احرام بند عزیمت شوند و اجناس مختلفه اسلامیّه را در یک نقطه واحده مشاهده کنند.

تنبیه

بعض اولیاءالله که در این جمعیت واقع می‌شوند، کمال قدرت و عظمت ایزدپاک را دیده، حال و شأن مخلوقات [او] را تفکر [و تخیل] می‌نمایند و در خیال خود می‌باشند و چون کسانی هم که دنیاپرست هستند بالطبع در ملاحظه اولاد و عیال و املاک و اموال خواهند بود لهذا هر مرد عاقل و فطینی که [به شرف حضور در این جمعیت کبری مشرف شود] در داخل آن جمعیت بشود [از] عجایب مخلوقات، و غرایب مصنوعات الهیّه را دیده [عبرت و تنبیه گرفته] و از خواب غفلت بیدار می‌شود.

۵۰ - مبارکه

وجه تلقیب این لقب ظاهر است.

۵۱ - مفتحه

به معنی تفخیم است، علاقهٔ قدر و مزیت و عظمت کعبهٔ الله، باعث تلقیب است. انتهی [چون در معنای تفخیم است قدرت و مزیت و عظمت کعبهٔ الله را می‌فهماند]. اگر چنانچه به اقوال پیران و سالخوردگان مکه مکرمه اعتنا و دقت کنیم و در تواریخ عتیقه صحایفی را که شامل احوال [مسجدالحرام] بیت الله الحرام است به نظر بیاوریم خواهیم



فهمید که آن بلدة مبارکه در زمان‌های قدیم به دو سور مجسم، [بزرگ محاط و] محدود و خرابه‌های آثار متباقیه [و آثار باقیه] این دو سور از جبل عبدالله بن عمر که در طرف معلا است، تا کوهی که در مقابل این جبل واقع است [یک] دیوار محکم داشته، و در این دیوار، ابواب متعدده و منفذهای زیاد برای سیل در این کوه موجود بود و لیکن به مرور زمان همه این‌ها محو و خراب شده است.

در تاریخ [قطب مکی] نوشته شده است که مکّیان [بعضی از کسانی که] خرابه‌های دیواری را که از آثار عتیقه است دیده و خبر داده‌اند و اگر چه ادعا کرده‌اند که در نزد سقاخانه‌ای که سلطان «سلیمان» خان، ابن سلطان «سلیم» پادشاه عثمانی که در کنار «جدول حسنین» ساخته است خرابه‌ی یک دیوار عتیق سقاخانه مذکور [اثری] چیزی نمانده است و چون این سقاخانه فوقانی است و در [روی آن قصری ساخته شده است] جهات اربعه آن، یک قصر مُشَبَّک بی‌عدیل هست [و محل] آن‌جا برای اعراب خیمه‌نشین که در اطراف آن هستند محلّ سیر و تنزه شده است.

و باز تواریخ نوشته‌اند که [این] دو سور سالف الذکر، در طرف «شبیکه» نیز یک دیوار و دری داشته و کمرهای این دو در، تا زمان‌های نزدیک باقی بوده و در طرف مسفله هم یک سور دیگر [موجود] بوده است، و اعانه اهالی تدارک شده است لهذا آن‌جا را «غیرتیه» نام داده‌اند ۱۲۹۷. عثمان پادشاه قلعه جیاد را نیز خراب کرده، در موقع آن سنگری بنا نهاده ۱۳۰۱. [امام فاسی به طور موثق ثابت کرده است که در میان جبلی که «لعل» گفته شده و نزدیک به مسجد شریف رایه است، در میان جبل لعل و کوهی که در مقابل او است سور دیگر بوده، و باز گفته است که خرابه‌های آثار این سورها را در بالای جبل مذکور دیدم و فهمیدم که شهر مکه معظمه در میان سوره‌های متعدد و متصل به همدیگر بوده است ولیکن نتوانستم تحقیق کنم که بانیان این سورها کی‌ها بوده‌اند. ولکن اکنون کافه این‌ها مندرس شده و آثار و علائمی از آن‌ها باقی نمانده است.

امام فاکهی موقع لطیفی را که در روز فیروز فتح مکه رکز علم اسلامیت فرموده و بعدها در آن‌جا مسجدی ساخته شد، آثار آن را نیز از آثار عتیقه شمرده و در تاریخ خود گفته است که در قرب بئر جیبیر مسجدی است که زیارت کرده می‌شود که جوار آن خالی از بیوت و منازل است و حال آن‌که در این عصر حدود خارجیّه مقبره معلی نیز در میان بیوت و منازل مانده و به عکس



- ۹ - مائده: ۹۷
- ۱۰ - اسراء: ۱
- ۱۱ - حج: ۲۹
- ۱۲ - فتح: ۲۴
- ۱۳ - تفسیر فخر رازی، ج ۱، ص ۱۴۷
- ۱۴ - در ترجمه متخفه است.
- ۱۵ - مؤلف پس از ذکر ۴۴ نام از اسامی مکه مکرمه و یا به تعبیر وی «اسامی کعبه الله» آن گاه که به بیان معانی این اسامی می پردازد، چند نام دیگر را به شرح ذیل بر آن می افزاید و در نتیجه تعداد اسامی به ۵۴ نام افزایش می یابد:
- ۴۵ - جامعه، ۴۶ - مبارکه، ۴۷ - مقبره، ۴۸ - عتیق، ۴۹ - مشرفه، ۵۰ - مکرمه، ۵۱ - مهابه، ۵۲ - والده، ۵۳ - نادره، ۵۴ - مغمه.
- ۱۶ - این منظومه به زبان ترکی سروده شده و در اصل کتاب آمده، لیکن مترجم آن را ذکر نکرده است.
- ۱۷ - گناه گناهکاران
- ۱۸ - استخوان.
- ۱۹ - اشعار از فتوح الحرمین محیی لاری (در گذشته به سال ۹۳۳) نقل شده و با این که متن اصلی کتاب به زبان ترکی استانبولی است لیکن ایوب صبری پاشا از اشعار فارسی محیی لاری نیز استفاده کرده است. لازم به یادآوری است اشعار این شاعر توانمند به کوشش فاضل ارجمند آقای رسول جعفریان به صورت مستقل به چاپ رسیده است.
- ۲۰ - تک همان لفظی است که در متن ترکی آمده و به معنای
- ۲۱ - سوره بلد: ۱
- ۲۲ - در ترجمه کعبه الله آمده است.
- ۲۳ - در متن اصلی این تعبیر آمده است.
- ۲۴ - غُثَاء بر وزن نُثَار، کفی را گویند که بر روی آب باشد.
- ۲۵ - به وزن طوبی است.
- ۲۶ - در ایام جاهلیت در متن ترکی نیست.
- ۲۷ - این عبارت در متن اصلی هست لیکن در ترجمه نیامده است.
- ۲۸ - در ترجمه متخفه است ولی در متن اصلی متخفه آمده است.
- ۲۹ - همانگونه که از ابتدای حکایت پیداست نامبرده ظاهراً این حادثه را در خواب دیده و یا آن که اگر در بیداری هم بوده، حمل میوه را حمل احجار دیده است!!
- ۳۰ - در متن چنین آمده: وجه تسمیه اش آن است که: «کعبه معظمه»، «مکه»، «مدینه» و «طایف» و نواحی آن واقع شده است.
- ۳۱ - در متن اصلی بیغمبر - علیه صلوات الله الاکبر - آمده است.
- ۳۲ - زمانی که طایفه یهود تورات شریف را تغییر داده و نسخه های آن در اختیار احبار قرار گرفت در آن این عبارت مسطور بود:

